

# شر وجودی و توجیه‌های نظری

## گفتار درمائی بی‌فایده است

### محسن آزموده

نخستین بار با مساله شر به عنوان يك مساله نظري و انتزاعي مواجه شدم. نوجوان بودم و تازه داشتم متوني در حوزه فلسفه اسلامي مي‌خواندم. لابه‌لای مطالبی راجع به علم باری و جوهر و عرض و لابشرط مقسمی و قسمی و هل بسیط و مرکب و وجوب و امکان، ناگهان مقاله‌ای از آیت‌الله عبدالله جوادی‌آملی دیدم، اگر اشتباه نکنم در انتهای یکی از مجلدات شرح مفصل او از اسفار ملاصدرا که تحت عنوان «رحیق مختوم» منتشر شده. آیت‌الله در آن مقاله از جمله همان استدلال مشهور ارسطو در توجیه فلسفی شرور را شرح و بسط داده بود. ارسطو در آن استدلال، چیزها و امور را از حیث میزان خیر و شر آنها به پنج دسته تقسیم می‌کند: 1. چیزهایی سراسر خیر، 2. چیزهایی که خیرشان بیش از شرشان است، 3. چیزهایی که خیر و شر آنها یکسان است، 4. چیزهایی که شر آنها بیشتر از خیر آنهاست و 5. چیزهایی سراسر شر. بعد می‌گوید، نظام عقلانی و عادلانه، نظامی است که در آن دو دسته اول وجود داشته باشند و شروری هم که در دنیا هستند، از همین حیث به آن راه یافته‌اند. البته در همان مقاله توجیه معروف عدمی بودن شر هم ارائه شده بود، همان نظریه‌ای که می‌گوید شرور عالم، اعم از شرور طبیعی یا اخلاقی امور ایجابی و مثبت نیستند و از فقدان یا نبودن چیزی خواه در طبیعت و خواه در شخصیت انسان ناشی می‌شوند. در مقاله اصل تضاد در فلسفه اسلامی نوشته شهید مطهری در کتاب «مقالات فلسفی» توجیه متفاوتی برای شرور یافتم، اینکه امور منفی لازمه ظهور و بروز و شکوفایی خیرات هستند. البته دیدگاه تفصیلی استاد مطهری در این زمینه را باید در کتاب مفصل «عدل الهی» او خواند.

بعدا که کتابها و مقالات فلسفی بیشتری خواندم، با توجیهات نظری و فلسفی بیشتری برای مساله شر مواجه شدم، مثل توجیه معروف لایب نیتس با عنوان «بهترین جهان‌های ممکن» که از سوی ولتر به سختی مورد عنایت قرار گرفته یا توجیه قائلان به وحدت وجود که معتقدند اصولاً عالم هستی يك کل به هم پیوسته و یگانه است و تضاد و شروری در آن نیست یا توجیهی که می‌گوید همه چیز به چشمانداز و منظر نگرنده باز

می‌گردد و بسیاری از آن چیزهایی که از منظر يك فرد شر و مصیبت تلقی می‌شود، از دیدگاه دیگر خیر هم هست. برای آشنایی با مجموعه این توجیحات به صورت کامل و دقیق و دسته‌بندی شده، می‌توان به مقدمه جامع و خواندنی دکتر نعیمه پورمحمدی بر کتاب مفصل و ارزشمند «درباره شر: ترجمه مقالات برگزیده در فلسفه و الهیات شر» (نشر طه) مراجعه کرد و صورت‌بندی دقیق‌تر از این توجیحات به همراه اشکالات و نقدهای وارد بر هر کدام را به بیان روان و قابل فهم خواند.

واقعیت این است که هر چه از سن نوجوانی فاصله گرفتیم و با واقعیت‌های عینی جهان بیشتر آشنا شدم، دریافتم که این توجیحات نظری و فلسفی، در برابر واقعیت شرور و رنج‌ها و آلامی که ناخواسته به آدمیان وارد می‌شود، چندان کارآمد نیست و فایده‌ای در بر ندارد. برای آرامش و تسلاي خاطر مادري که پسرش را از دست داده یا فردي که به شکلي متفاوت از دیگران زاده شده یا آن کس که ناخواسته گرفتار قدرتي ظالم شده و از جانب آن قدرت به او و عزیزانش آسیب‌هایی برگشت‌ناپذیر وارد شده، نمی‌توان به گفتاردرماني روي آورد و با او وارد بحث فلسفی شد. اگر خیلی صبور باشد، به سادگی به شما می‌گوید نفست از جای گرم در می‌آید! راست هم می‌گوید. تا زمانی که انسان واقعا دچار يك مصیبت و درد نشده باشد، نمی‌تواند عمق مساله را دریابد.

به عبارت دقیق‌تر، شر بیش و پیش از آنکه يك مساله نظری و فلسفی مثل سایر مسائل و معماهای نظری باشد، يك معضل وجودی است یعنی تمام وجود يك انسان را درگیر می‌کند. بنابراین برای مواجهه با انسانی که دچار چنین شری شده، توجیه عقلانی آوردن فایده چندان‌ی ندارد. در وهله اول باید به او اجازه داد تا شکایت کند، ابراز ناراحتی کند، احساسات و عواطف خود را بروز دهد و به اصطلاح خودش را خالی کند. گام بعدی همدلی و همدردی است، به این معنا که با شیوه‌های مختلف به انسانی که دچار شرور شده، نشان دهیم که رنج و درد منحصر در او نیست، بلکه همه انسان‌ها به درجات دچار مصائب و سختی‌ها می‌شوند. البته که برخی به علل و دلایل مختلف بخت کمتری دارند و به دردهای بیشتری گرفتار می‌شوند. اما این کم‌شانسی، به هیچ عنوان باعث برتری یا فروتری انسان‌ها نسبت به یکدیگر نمی‌شود و امتیازی برای هیچ کدام فراهم نمی‌آورد، اگرچه نحوه مواجهه آدمیان با درد و رنج‌ها و شرور ناخواسته طبیعی و انسانی، متفاوت است و در بعضی موارد فرد رنج دیده این فرصت را می‌یابد که از رنج ناخواسته برای شکوفایی برخی ظرفیت‌های وجودی خود بهره ببرد، اگرچه همین هم به هیچ عنوان توجیهی برای روا داشتن آن شر بر او نخواهد شد و عدم

توانايي ديگران در اين زمينه، هيچ نقصي را متوجه ايشان نمي‌سازد. کوتاه سخن آنکه به جاي توجهات نظري بايد کوشيد جلوي وقوع شرور را، اعم از شرور طبيعي يا اخلاقي يا ساختاري يا اگزيستانس يا ... گرفت يا تلاش کرد ميزان آنها را در جهان کمتر کرد. روشن است که هميشه نميشود چنين کرد. در چنين مواردی به جاي بازي کردن نقش وکیل مدافع شر و توجه‌گر شرور، بايد به همدردی و همدلی با آسيب‌ديدگان پرداخت و حتي اگر اين کار را هم نمي‌توان کرد، بهتر است سکوت کرد و زبان در کام گرفت.

منبع: روزنامه اعتما 27 1402